

# معناشناسی متون رادیویی

❖ شفیقه مافی

کارشناس ارشد نویسندگی رادیویی

## اشاره

امروزه در زبان‌های تخصصی، تلاش اصلی به سمت رفع ابهام سوق می‌یابد. این تلاش، به‌ویژه در زبان رادیو که گفتاری و شنیداری است، برای برقراری ارتباط بهتر با مخاطبان و انتقال معنای بیشتر صورت می‌گیرد. از آنجا که مطالب بیان‌شده در رادیو فقط یکبار خوانده می‌شوند و شنیدن دوباره متن برای مخاطب امکان‌پذیر نیست، باید ساده، کوتاه، شفاف و به‌دور از هرگونه ابهام باشند و اطلاعات را به صورت گام‌به‌گام و خطی به شنوندگان انتقال دهند.

برخی از متونی که برای رادیو نوشته می‌شوند، سه اشکال اساسی دارند:

- تناسب‌نداشتن با موقعیت مخاطب؛

- انباشت اطلاعات؛

- غیررادیویی بودن.

البته هر یک از این اشکالات به موارد جزئی‌تری نیز تقسیم‌بندی می‌شوند؛ بدین معنی که وضعیت مخاطب در هنگام شنود مطالب کمتر لحاظ می‌شود و حجم بسیار زیادی از اطلاعات در قالب جملات طولانی و گاه ادبی و هنری به مخاطب منتقل می‌گردد. بدیهی است مخاطبی که در حال انجام کارهای روزمره است و گوش‌کردن به رادیو فعالیت ثانویه برای او محسوب می‌شود، نمی‌تواند بخش بسیار زیادی از مطالب درهم‌تنیده، غیرپیوسته و فشرده را درک کند. بنابراین دچار سردرگمی و بی‌اعتمادی به رسانه می‌شود.

با امید به آنکه موارد طرح‌شده در این نوشتار، برای بهبود وضعیت نویسندگی در ایستگاه‌های رادیویی مختلف مورد استفاده قرار گیرد.

## طولانی بودن متون

متنی که برای شنیدن تنظیم می‌شود، باید جمله‌های کوتاه و پیوسته داشته باشد. در متون نوشتاری زمان ایستاست و خواننده می‌تواند مطالب را بارها بخواند، اما زمان در رادیو، محدود و گذراست و فرصت بازگشت وجود ندارد. برخی صاحب‌نظران معتقدند که متن کوتاه باید به اندازه یک نفس باشد و برخی دیگر می‌گویند تعداد کلمه‌های به کاررفته در هر عبارت نباید بیشتر از شش کلمه باشد.

از جمله نکاتی که موجب طولانی شدن متون شنیداری می‌شود، استفاده از پیروهای متعدد است. جمله ساده که برای متون گفتاری و شنیداری توصیه می‌شود، جمله‌ای است که فقط دارای پایه یا حداکثر یک پیرو باشد و میان فاعل و فعل فاصله زیادی ایجاد نشود.

### مثال اول:

«مثلاً با همه ستایشی که از پذیرایی شایسته از مهمان شده، اگر جنبه تعادل رعایت نشه و به مرز اسراف برسه که اغلب از روی چشم و هم‌چشمیه، یا ریشه در خودنمایی و تفاخر داره، ناپسنده.»

در این متن، جمله‌های پیرو، پی‌درپی در دل هم لانه‌گیری (nesting) کرده‌اند، که این ویژگی از ویژگی‌های زبان نوشتاری است، نه ویژگی زبان گفتاری رادیو.

### مثال دوم:

«زمانی که پای سفره پربرکت قرآن می‌نشینیم و به حقایق آن که در وجود ما آشکاره می‌اندیشیم و با پیروی صادقانه از رهنمودهای این کتاب مقدس به بهشت الهی نزدیک‌تر می‌شیم و به احساس زیبای عشق خداوندی می‌رسیم، نشانه‌های رضایت الهی رو حس خواهیم کرد.»

گاه طولانی بودن جمله به سبب توضیحات زائدی است که به صورت مقدمه در ابتدای مطلب آورده می‌شود و خود بر پیچیدگی متن می‌افزاید. مثال:

«در اقرار غیرمسلمانان به حقانیت آیات پرفروغ قرآن کریم آمده است که لیون

یکی از دانشمندان فرانسوی درباره قرآن می‌نویسد...»

### ترادف (هم‌معنایی)

ترادف یکی از شناخته‌شده‌ترین و رایج‌ترین روابط معنایی است که در زبان نوشتار توجیه‌پذیر است، اما در متون شنیداری، موضوعات را بیش از حد، سنگین و حجیم می‌کند. مترادف‌ها باعث سردرگمی شنونده و موجب تقویت این برداشت غلط می‌شوند که بیش از یک مفهوم وجود دارد. برقراری ارتباط با مخاطب از مباحثی است که وضوح بیان بیش از تنوع آن اهمیت دارد.

شایان ذکر است که تکرار مطالب با ترادف متفاوت است؛ تکرار موجب می‌شود آنچه بیان می‌شود با مطالب پیشین پیوند بخورد و به فهم بهتر مخاطب منجر شود. بنابراین لازم است متون شنیداری است. در تعریف ترادف یا هم‌معنایی می‌توان گفت: عناصر واژگانی متفاوت با معانی یکسان به طوری که بتوانیم در جمله یکی را به جای دیگری به کار ببریم، بدون اینکه معنی جمله تغییر کند.

### مثال اول:

«معاشرت، دید و بازدید و رفت و آمد و داشتن دستی باز و سفره‌ای گشوده و مهمان‌داری از جلوه‌های جوانمردیه.»

### مثال دوم:

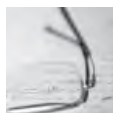
«وقتی با چهره شکفته و باز با کسی روبه‌رو می‌شیم، در واقع کلید محبت و دوستی رو به دست اون دادیم. اگر این خوشرویی و خنده‌رویی با نیت پاک و الهی انجام بگیره، علاوه بر تأثیر محبت‌آفرین، حسنه و عبادت نیز به حساب می‌آد.»

### مثال سوم:

«ابراز دوستی و اظهار علاقه باعث می‌شود که دیگران هم به ما محبت و علاقه پیدا کنند.»

### مثال چهارم:

«سلام کردن به طرف مقابلمون اطمینان می‌ده که ما هم سلامتی و تندرستی شو می‌خوایم و هم از جانب ما آسوده می‌شه و مطمئن که ما گزندی به اون نمی‌رسونیم.»



## سه اشکال در برخی از متون رادیویی وجود دارد:

### تناسب‌نداشتن با

### موقعیت مخاطب:

### انباشت اطلاعات:

### غیررادیویی بودن.

### مثال پنجم:

«کسی که حقش را ضایع و تباه کرده‌ای، هرگز برادر تو نیست.»

### مثال ششم:

«آدمیزاده، بنده احسانه. به هر کس نیکی کنی، اونو رام و مطیع خود کردی و به هر کس محبت و لطف کنی، قلعه دلش رو فتح کردی.»

### مثال هفتم:

«بیشتر نزاع‌ها، ستیزها، حسادت‌ها و خونریزی‌ها بر اثر بداخلاقی است.»

### مثال هشتم:

«شکی نیست که اخلاق نیک و روش خداپسندانه و وجدان‌پسند و مهر و محبت به مردم، یکی از راه‌های مؤثر برای نفوذ در دیگران است و چه بسا بزرگ‌ترین دشمن را رام و تسلیم می‌کند.»

### مثال نهم:

«ایثار و گذشت و بلندظری و والاهمتی مخصوص انسان راضیه.»

### مثال دهم:

«ای خدا ای که عظمت و کبریایی، شایسته و مخصوص توست.»

### ابهام

میان مفاهیم و واژه‌ها روابط مختلفی وجود دارد. اما گاه کنارهم قرار گرفتن برخی واژه‌ها منجر به ایجاد ابهام در متن می‌شود. ابهام در سطح واژه، گروه یا جمله رخ می‌دهد و دارای سه نوع گفتاری (هم‌آوایی)، نوشتاری (هم‌نویسه) و گفتاری - نوشتاری (هم‌آوایی - هم‌نویسه) است.

ابهام گفتاری: دو یا چند واژه است که دارای تلفظ یکسان، اما در نوشتار متفاوت باشند. مانند «غریب» و «قریب» که توصیه می‌شود از به کار بردن آنها در رادیو پرهیز شود.

ابهام نوشتاری یا هم‌نویسه: کلماتی هستند که در خط و نوشتار یکسان، اما در تلفظ متفاوت هستند و گاه با تعیین نوع تأکید یا تکیه بر روی کلمات، معنای متفاوتی از آنها به ذهن متبادر می‌شود.

### مثال:

«گاه وصال است بیایید چراغ امید در خانه نیازمندی روشن کنیم و بال‌های سفید غفران و توبه را در پهنای آسمان دلمان بگسترانیم.»

ترکیب «خانه نیازمندی» با نوع تکیه بر واژه نیازمندی معنای متفاوتی خواهد داشت؛ خانه یک نیازمند یا خانه نیازمند بودن. نوع دیگر ابهام، ابهام گفتاری - نوشتاری یا هم‌آوا - هم‌نویسه است؛ بدین صورت که هم فرم نوشتاری واژه و هم تلفظ آن یکسان باشد، اما معنای متفاوتی از آن برآید.

### مثال:

«مرا در این روز به حق مهربانیت در بهشتی که خانه قرار است منزل عطا فرما، به حق خدایی خودت ای خدای جهانیان.»

واژه «قرار» هم به معنای آرامش است و هم به معنای قرار گذاشتن و زمانی را برای ملاقات تعیین کردن.

همان‌گونه که ذکر شد، گاهی ابهام در سطح گروه اسمی اتفاق می‌افتد؛ بدین معنا

### کاربرد اصطلاحات

### تصویرگونه و ترکیبات

### تشبیهی، زیبا هستند،

### اما برای یکبار شنیدن

### از رادیو مناسب نیستند

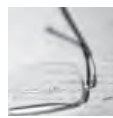
### و مخاطب تا بخواهد در

### ذهن خود رابطه واژه‌ها

### را دریابد، خوانده شده

### و بسیاری از اطلاعات

### از دست خواهد رفت.



که عناصر زبان طوری کنار هم قرار می‌گیرند که ایجاد ابهام می‌کنند.

### مثال:

«سلام به افق مستقیم زندگی تون!»

یکی دیگر از سطوح ابهام، ابهامی است که در سطح جمله پدید می‌آید و به آن ابهام ساختاری گفته می‌شود. در این نوع ابهام، گاه عنصری از جمله حذف می‌شود و گاهی به دلیل انتقال نادرست مفهوم، ابهام ایجاد می‌شود.

### مثال اول:

«گاه گیسوان دلم در طوفانی از خواسته‌ها درهم می‌پیچد و گاه چنان به سکوت می‌رسد که گویی هیچ نسیمی از ابد در مسیر سبز زندگی‌ام نبوده.»

### مثال دوم:

«قدر روزهای سلامتی‌مونو بدونیم. اگر خدا رو دیدیم، حتماً خوشبختی رو هم می‌بینیم.»

از این جمله دو معنای متضاد برداشت می‌شود.

### مثال سوم:

«خدایا تلفات عمر ما را بیامرز.»

که در اصل، چنین بوده است: خدایا ما را به سبب تلفات عمرمان بیامرز.

### مثال چهارم در توصیف امام

### زمان(عج):

«جامعه‌ای منتظر است که جامعه ایمانی باشد و مولا را راضی نگه دارد. جامعه‌ای پاکیزه از گناه، حضور این معلم را درک می‌کند.»

### زبان تصنی هنری

یکی از ویژگی‌های متون شنیداری، قابل فهم بودن آن است. کاربرد اصطلاحات تصویرگونه و ترکیبات تشبیهی، زیبا هستند اما برای یکبار شنیدن از رادیو مناسب نیستند و مخاطب تا بخواهد در ذهن خود رابطه واژه‌ها را دریابد، خوانده شده و بسیاری از اطلاعات از دست خواهد رفت؛ به‌ویژه تراکم اصطلاحات به‌صورت تتابع اضافات نمودار شود. همچنین کلماتی که دارای سیلاب‌های زیادند، به سختی قابل بیان و درک هستند و خطر تلفظ اشتباه را افزایش می‌دهند.

### مثال اول:

«پنجره دلم با هجوم طوفان فتنه سخن می‌شکند و پای گل‌های لبخند از خون دلم سیراب می‌خشکد. پروانه‌های نیاز به سجده بخشش بر خاک بندگی، بال و پر می‌سوزند و شمع وجودم از شنیده‌های بی‌پروای زبان سخن چین از شرم آب می‌شود. پای رفتن و دل ماندن در دیار سخن ندارم که من نه برای اینم که آفریده روح پاک رب‌العالمینم.»

### مثال دوم درباره بعثت:

«رها بر بال فرشتگان به اوج آسمان رسید. دیده‌های مبارکش همه لطف بود و مهر و زمزمه‌اش از پس دیدگان پاکش، همه حمد و شکر و لاله‌الاله از کران تا کران هفت آسمان همه خورشید بود که سر تعظیم فرود می‌آوردند بر قدوم مبارکش.»

در این مثال، نویسنده علاوه بر استفاده از ترادف از صنعت ابهام تناسب هم استفاده کرده است که به دلیل لزوم بازگشت به جمله قبل و توجه به واژه‌های مرتبط با هم، مناسب رادیو نیست.

### مثال سوم:

«سلام به پرچین‌های باز بهشت رضوان

در ماه مبارک رمضان، سلام به وجودهای شسته شده در زمزمه عبودیت.»  
به نظر می‌رسد واژه «زمزم عبودیت» صحیح باشد.

### ترکیبات نادرست و تعابیر نامأنوس

در متون رادیویی، معنا برای شنونده از طریق معناکردن کلمات ایجاد نمی‌شود، بلکه تنها از طریق روابط میان واژه‌ها درک می‌شود. بنابراین لازم است از واژه‌ها و تعابیر آشنا و ملموس با مخاطب استفاده شود؛ زیرا کاربرد ترکیبات نادرست یا تعابیر نامأنوس علاوه بر اینکه به زبان خدشه وارد می‌کند، حس بیگانگی با موضوع را در مخاطب تقویت می‌کند و یا احساس ناخوشایند پایین‌بودن سطح دانش به او دست می‌دهد که هر سه مورد منجر به از دست دادن مخاطب می‌شود.

#### مثال اول:

«اونهایی که به تعالی فکر و سلامت اخلاق و تکامل شخصیت خودشون علاقه‌مندن باید در انتخاب دوست معیارهای مکتبی رو لحاظ کنن و به آنچه از دوست می‌گیرن دقت کنن...»

#### مثال دوم:

«عید عاشقی تو و من است. با نوای باد می‌سراییم بیت دلدادگی و عطر نجیب قنوت را.»

#### مثال سوم:

«خداوند رب‌العرش، گل دلم را با نام تو سرشته.»

در این جمله، مخاطب با ترکیب «گل وجود» مأنوس‌تر از «گل دل» است.

#### مثال چهارم:

«بار خدایا تو را سوگند به نام پنهانیت و به آنچه از جمال آمیخته با شکوهت که در پس پرده‌های جلال تو پنهان گشته که بر این جان بی‌تاب و مشتی استخوان شست، رحمت آری.»

#### غیر شفاف بودن

در نوشتن برای گفتن، این قاعده معتبر است: همان‌گونه که صحبت می‌کنید، بنویسید. زبان گفتار حتی در متون ادبی باید باورپذیر

باشد و از آن صرفاً به بازی با کلمات تعبیر نشود؛ به طوری که مخاطب با شنیدن آن بتواند منظور گوینده یا نویسنده را درک کند و حتی آن را در کلام خود به کار ببرد.

#### مثال اول:

«دلم می‌خواهد هوای بودنم را برهم زنم و تا رسیدن به خود خدا پیوسته شوم تا بمانم در خط افق خویشتن.»

#### مثال دوم:

«جز خداوند، رب‌العالمین و پیامبرش کسی نمی‌داند که چه شد و چه بود. هر چه بود خدا بود و خدا بود و پیامبرش محمد مصطفی صلوات‌الله‌علیه.»

در این جمله با تکرار نابجا به نظر می‌رسد سه نفر، نام برده شده است.

#### مثال سوم:

«سلام و صلوات، هدیه هر روز ما به صبحه. پس بذاریم تمام لحظه‌های صبح‌تون پریشه از سلام و صلوات به درگاه رسول گرامی اسلام و خدای منان.»

سلام و تحیت از خداوند به بندگان می‌رسد، زیرا او بی‌نیاز از سلام و دعا برای سلامتی از طرف بندگان است.

#### مثال چهارم:

«کسی که بخواهد جز با افراد بی‌عیب، دوستی و برادری نکند، دوستانش کم می‌شوند.»  
استفاده از کلمات منفی در این جمله موجب دشواری در فهم مطالب شده است.

#### مثال پنجم:

«نخستین منزل در راه موفقیت، اراده است. کسی که می‌خواهد این راه پر نشیب و فراز رو طی کنه، باید در آغاز، از منزل اول بگذره. یعنی داشتن صداقت و ایمان واقعی با رعایت احکام الهی.»

در این مثال، نویسنده با بهره‌گیری از دلالت درون‌زبانی؛ یعنی بهره‌گیری از واژه‌ها برای تعریف یک مفهوم، قصد داشته است مفهوم منزل اول را بیان کند، اما با تعریف نادرست، دچار تناقض شده است. در نتیجه شنونده سردرگم می‌ماند که بالاخره نخستین منزل، اراده است یا داشتن صداقت و ...

**چندمصدیقی (چندمعنایی یا هم‌نامی)**  
چندمصدیقی اصطلاحی است که در آن کلمات همانند به چند مفهوم نسبت داده می‌شوند. به عبارت دیگر، کلمه‌ای است که در یک متن با معانی متعدد تکرار می‌شود، ضمن اینکه معانی آن با یکدیگر مرتبط است. از آنجا که چندمصدیقی، ابهام‌زاست، نباید در متون رادیویی از آن استفاده کرد. کلمات مشابهی که در فرهنگ لغت، ذیل یک مدخل آورده می‌شوند، نمونه مشخص چندمصدیقی هستند.

#### مثال:

«آیا می‌دونید که چطوری انسان‌ها اسیر قیدهای نادرست زندگی می‌شن و در این زندان می‌مونن و قید طعم شیرین آزادی الهی رو که خداوند از سر بنده‌نوازی به اونها عطا کرده، می‌زنن؟»

در این مثال، منظور نویسنده از «قید» اول، گرفتاری‌های زندگی است که همانند زنجیر، آزادی انسان را محدود می‌کنند و منظور از «قید» دوم، یا به عبارت دیگر «قید چیزی را زدن» صرف‌نظر کردن از آن چیز است.

#### نتیجه‌گیری

با توجه به مطالعه صورت گرفته، مشخص شد که بسیاری از اشکالات نوشتاری و گفتاری از قبیل طولانی‌بودن جملات، ترادف، ابهام، زبان تصنعی هنری، غیرشفاف بودن، تتابع اضافات، ترکیبات نادرست و به خصوص تعابیر نامأنوس در متون رادیویی وجود دارند.

از آنجا که شنیدن متون از رادیو با تخیل شنونده همراه است و گاه از یک جمله، برداشت‌هایی متعدد می‌شود، لازم است نویسندگان رادیو با به‌کارگیری دانش زبانی و رعایت ویژگی‌های رادیو که برخی از آنها را برشمردیم، در نزدیک‌کردن تعابیر به هم و انتقال بهتر معنا بکوشند تا آنچه در رادیو خوانده و نوشته می‌شود، با تجربیاتی که شنندگان از جهان بیرون دارند، مطابقت بیشتری داشته باشد.